



سرشناسه

: اعرافی، علیرضا، ۱۳۳۸ -

Arafi, AliReza

عنوان و نام پدیدآور

: بررسی فقهی حسن خلق و سوء خلق/علیرضا اعرافی؛
تحقیق و نگارش محمد آزادی.

مشخصات نشر

: قم : موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری

: ۲۷۲ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

فروست

: نشر موسسه اشراق و عرفان؛ ۸۷.

...سری بحث‌های فقه روابط عام اجتماعی .

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۲-۶۶-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شناسه افزوده

: آزادی، محمد، ۱۳۶۷ اردیبهشت -

موضوع

: خوش خلقی (فقه) * (Islamic law) Good temper) بد خلقی

(فقه) * (Islamic law) Bad temper) خوش خلقی -- جنبه‌های

مذهبی -- اسلام -- * Religious aspects -- Good temper

Islam خوش خلقی -- احادیث * Hadiths -- Good temper

خوش خلقی -- جنبه‌های قرآنی Qur'anic -- Good temper

teaching بد خلقی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام * Bad

Islam -- Religious aspects -- temper بد خلقی -- احادیث

* Hadiths -- Bad temper بد خلقی -- جنبه‌های قرآنی * Bad

temper -- Qur'anic teaching

رده بندی کنگره

: BP۱۹۸/۶

رده بندی دیویی

: ۲۹۷/۳۷۹

شماره کتابشناسی ملی

: ۹۸۱۸۸۸۵

علیرضا اعرافی

بررسی فقهی حسن خلق و سوء خلق

از سری بحث‌های فقه اخلاق اجتماعی

تحقیق و نگارش: محمد آزادی



نشر اشراق و عرفان



بررسی فقهی حسن خلق و سوء خلق

علیرضا اعرافی

تدوین محمد آزادی
ناشر مؤسسه اشراق و عرفان
ویراستار محمد مهدی حکیمیان
امور هنری حمید بهرامی
نوبت و تاریخ چاپ اول/پاییز ۱۴۰۳
لیتوگرافی، چاپ و صحافی چاپ هوشنگی
شمارگان ۵۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای مؤسسه اشراق و عرفان محفوظ است

ISBN: 978-600-8542-66-7

www.eshragh-erfan.com

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۰

info@eshragh-erfan.com

نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۱

آدرس: ایران، قم، خیابان معلّم، معلّم ۸، کوچه شهید محقق، پلاک ۵۹

فهرست

سخن مؤسسه	۱۱
پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۵

فصل اول: کلیات/۱۷

۱. مفهوم شناسی	۱۷
الف) معنای خُلق	۱۷
ب) معنای حسن خلق	۲۳
یکم. احتمالات معنای حسن خلق	۲۳
دوم. بررسی مفاهیم مشابه	۲۸
ج) معنای سوء خلق	۳۳
د) نسبت حسن خلق و سوء خلق	۳۳
۲. پیشینه	۳۶
الف) پیشینه عام	۳۶
یکم. آیات و روایات	۳۶
دوم. دانش اخلاق	۴۵

۴۷	سوم. دانش تربیت
۴۸	چهارم. روان شناسی
۴۸	پنجم: جامعه شناسی
۴۹	ب) پیشینه و جایگاه فقهی
۴۹	یکم. حسن خلق و سوء خلق در کلام فقها
۵۰	دوم. جایگاه بحث از حسن خلق و سوء خلق در فقه

فصل دوم: حسن خلق/۵۱

۵۱	۱. ادله استحباب حسن خلق
۵۲	الف) ادله متمرکز بر عنوان حسن خلق
۵۲	یکم. آیه لَیْسَ بُوْدُنِ پیامبر اکرم ﷺ
۵۵	دوم. دلیل عقلی
۵۵	سوم. ادله روایی
۶۲	جمع بندی
۶۳	ب) ادله ترغیب به مصادیق حسن خلق
۶۶	یکم. آیات
۶۶	دوم. ادله روایی
۷۸	جمع بندی
۸۹	ج) ادله عام مطلق
۹۰	یکم. قاعده برّ و احسان
۹۳	دوم. قاعده تخلق به مکارم اخلاق
۱۰۰	سوم. قاعده رحمت
۱۰۱	چهارم. قاعده مدارا و حسن معاشرت با مردم

۱۰۶	پنجم. قاعده الفت و محبت به مردم
۱۰۹	جمع بندی دسته سوم
۱۱۰	(د) ادله عام من وجه
۱۱۱	جمع بندی ادله حسن خلق
۱۱۳	۲. فروع
۱۱۳	فرع اول: بررسی تأثیر حالت باطنی بر حکم رفتار ظاهری
۱۱۴	(الف) ادله رجحان حسن خلق درونی
۱۱۵	(ب) مناقشه: نشأت گرفتن حسن خلق از پدیده های روانی گوناگون
۱۲۲	فرع دوم: امکان تغییر مصادیق حسن خلق در طول زمان
۱۲۴	فرع سوم: موارد تأکید استحباب یا وجوب حسن خلق
۱۲۷	(الف) حسن خلق، مقدمه انجام وظایف واجب تبلیغی، هدایتی و تربیتی
۱۲۷	(ب) حسن خلق مقدمه امر به معروف و نهی از منکر
۱۲۸	(ج) حسن خلق در ارتباط با پدر و مادر
۱۳۱	(د) حسن خلق با اعضای خانواده
۱۳۶	(ه) حسن خلق با کودکان
۱۳۸	(و) حسن خلق در ارتباط حاکم و رعیت
۱۵۰	(ز) حسن خلق در ارتباط با عالم
۱۵۱	(ح) حسن خلق در سفر
۱۵۶	(ط) حسن خلق در مناسبت های خاص
۱۵۸	جمع بندی موارد تأکید استحباب یا وجوب حسن خلق
۱۵۹	فرع چهارم: ویژگی های حکم استحباب حسن خلق
۱۵۹	(الف) نفسی بودن
۱۵۹	(ب) عینی بودن

ج) تعیینی بودن	۱۶۰
د) عدم اسقاط استحباب حسن خلق به سبب فعل غیر	۱۶۰
ه) توصلی بودن	۱۶۱
فرع پنجم: عمومیت استحباب حسن خلق نسبت به تمام مردم	۱۸۵
ادله عام بودن حسن خلق	۱۸۵
فرع ششم: حسن خلق نسبت به نامحرم	۲۰۱
فرع هفتم: حسن خلق مجازی یا غایبانه	۲۰۵
فرع هشتم: حسن خلق با گناهکاران و مجرمان	۲۰۶
دلیل اول: موثق اول سکونی	۲۰۶
دلیل دوم: موثق دوم سکونی	۲۰۷
جمع بندی	۲۰۸

فصل سوم: سوء خلق/ ۲۱۱

۱. بررسی ادله منع از سوء خلق	۲۱۲
الف) عقل	۲۱۳
ب) آیات	۲۱۴
ج) روایات	۲۱۴
یکم. روایات فساد عمل به جهت سوء خلق	۲۱۴
دوم. روایت اسحاق بن غالب	۲۲۰
سوم. روایت مسعدة بن صدقة	۲۲۴
چهارم. موثق سکونی	۲۲۶
پنجم. روایت ابی سعید خدری	۲۲۶
ششم. مرفوعه حماد بن عیسی	۲۲۸

هفتم. مرفوعه شیخ صدوق رحمۃ اللہ علیہ	۲۲۸
هشتم. روایت عبداللہ بن سنان.....	۲۲۹
نهم. روایت حسین بن خالد صیرفی.....	۲۳۰
دهم. مرفوعه اول رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ	۲۳۱
یازدهم. مرفوعه دوم رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ	۲۳۲
جمع بندی.....	۲۳۳
مناقشات بر استدلال به ادله حرمت سوء خلق.....	۲۳۴
۲. فروع.....	۲۳۸
فرع اول: بررسی تأثیر حالت باطنی بر حکم رفتار ظاہری.....	۲۳۸
فرع دوم: احکام ثانویه سوء خلق.....	۲۴۲
فرع سوم: سوء خلق با پدر و مادر.....	۲۴۳
فرع چهارم: سوء خلق با اهل خانه.....	۲۴۴
فرع پنجم: ویژگی های حکم کراهت سوء خلق.....	۲۴۵
گزاره های فقهی.....	۲۴۶
کتابنامه.....	۲۴۹
نمایه ها.....	۲۵۹
نمایه آیات.....	۲۵۹
نمایه اشخاص.....	۲۶۲
نمایه اصلاحات.....	۲۶۸

سخن مؤسسه

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، رسالت حوزه‌های علمیه را دوچندان کرده است؛ نظام اسلامی برای تأمین پشتوانه نظری خود به منظور تصمیم‌گیری و اجرا، باید مبانی علمی لازم را در اختیار داشته باشد و این عرصه‌ای است که حوزه علمیه در کنار دیگر مجامع علمی باید در آن نقش فعال داشته باشد؛ زیرا بدون گستراندن مرزهای علوم اسلامی به مباحث نوپدید و تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی، این نیاز پاسخ مناسب نمی‌یابد. ضرورت مجاهدت علمی برای پاسخگویی به مطالبات روزافزون و برحق جامعه دینی، آنگاه به اثبات می‌رسد که در نظر داشت که اولاً، تحولاتی جدید در مجموعه دانش بشری، به ویژه علوم انسانی رخ داده است؛ ثانیاً، زندگی انسان معاصر به سبب پیشرفت علوم و فناوری‌های جدید، دستخوش تطوراتی شگرف شده است؛ ثالثاً، شکل‌گیری نظام اسلامی، فرصت مناسبی را فراروی جامعه دینی قرار داده است تا به اهداف خود دست یابد. از این رو، سرعت بخشیدن به فعالیت‌های علمی حوزوی برای توانمندسازی نظام اسلامی در این باره ضروری می‌نماید. «مؤسسه اشراق و عرفان» که فعالیت خود را از سال ۱۳۸۶ با نظارت علمی

و ریاست عالی استاد علیرضا اعرافی رحمته الله آغاز کرده است، در عین تأکید بر اصالت‌های حوزوی، سعی در رفع نیازمندی‌های معرفتی انسان معاصر دارد. از این رو، برنامه‌های کلان خود را «پژوهش در زمینه فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف بر مبنای روش اجتهادی در راستای نظام سازی اسلامی»، «پرورش پژوهشگران صاحب‌نظر در عرصه فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف و نظام سازی اسلامی» و «اسلامی سازی علوم انسانی» قرار داده است تا بتواند نقشی مؤثر در این عرصه داشته باشد.

آیت الله علیرضا اعرافی رحمته الله چند جلسه از بحث‌های فقه اخلاق اجتماعی را در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ ش. به بررسی فقهی حسن خلق و سوء خلق اختصاص داد. کتاب حاضر برگرفته از دروس مذکور است که حجت الاسلام محمد آزادی آن را با نظارت حجت الاسلام احمد عابدین زاده و راهنمایی استاد معظم آیت الله اعرافی رحمته الله تحقیق و نگارش کرده است.

مؤسسه بر خود لازم می‌داند از حضرت استاد اعرافی رحمته الله که پس از ارائه دروس، در ادامه مراحل مختلف تقریر دروس، ارزیابی تقریرات و تحقیقات را صبورانه ادامه دادند، تشکر نماید و از تلاش‌های حجت الاسلام محمد آزادی در تحقیق و تکمیل آن تقدیر نموده و قبول زحمت حجت الاسلام احمد عابدین زاده در نظارت و ارزیابی این اثر را ارج نهد.

امید است صاحب‌نظران و اندیشه‌وران دینی، مؤسسه اشراق و عرفان را در جهت بهبود تولید آثار علمی آینده، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای سازنده خود بهره‌مند سازند.

پیشگفتار

تأسیس کتاب‌ها و باب‌های جدید فقهی از لوازم تکامل و روزآمد شدن دانش فقه است. با طلب یاری از خداوند متعال، کتاب جدید فقه تربیتی، از نوآوری‌ها و نوشته‌های استاد معظم، آیت‌الله اعرافی رحمته‌الله از سوی جامعه علمی و حوزوی با استقبال مواجه شد و موضوعات این کتاب فقهی هم‌اکنون در حوزه‌های مختلفی تدریس می‌شود. «فقه اخلاق اجتماعی» عنوان دیگری است که در فقه موجود مغفول مانده و به خاطر اهمیت و گستره دامنه ابتلای آن، لازم است به کتاب‌ها یا ابواب فقهی اضافه شود. بعضی مسائل این مبحث - مانند کذب و غیبت - در کتاب‌هایی مانند مکاسب محرمه مطرح شده؛ اما تاکنون باب یا کتابی فقهی برای آن اختصاص نیافته است. از این رو، آیت‌الله اعرافی رحمته‌الله از سال ۱۳۹۷ ش. جلسات درسی «فقه معاصر» خود را به این موضوع اختصاص داده و تاکنون موضوعاتی مانند سوء ظن، حب و بغض، حسن خلق و سوء خلق، اکرام و توهین و ایذا و اذخال سرور را تدریس کرده‌اند و اکنون (سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳) در حال تدریس بحث «ظلم و عدل» هستند. یکی از موضوعات روابط اجتماعی، موضوع «حسن خلق و سوء خلق» است که استاد معظم آن را در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ ش.

تدریس کردند که این مباحث در کتاب حاضر تقریر و تکمیل شده است. در پایان، لازم است از استاد معظم، آیت الله اعرافی دامه که تنظیم کتاب حاضر در سایه القا و ارشاد ایشان محقق شده است، نهایت تشکر را داشته باشم. همچنین از جناب حجت الاسلام و المسلمین احمد عابدین زاده که به عنوان ناظر این اثر قبول زحمت نموده و به ارتقای کیفی آن کمک شایانی کرده اند، تشکر کنم. آقایان محمدمهدی حکیمیان (ویراستار)، حمید بهرامی (صفحه آرا) و همکاران محترم بخش اداری «مؤسسه اشراق و عرفان» و به ویژه مدیر محترم مؤسسه، جناب حجت الاسلام دکتر سید نقی موسوی، دیگر عزیزانی هستند که برای چاپ این اثر زحمات فراوانی کشیده اند و نیاز است که مراتب قدردانی خویش را از ایشان اعلام نمایم.

محمد آزادی

مقدمه

«حسن خلق» یکی از آداب روابط اجتماعی و میان‌فردی است و «سوء خلق» در مقابل آن قرار می‌گیرد و رفتاری ناپسند به شمار می‌آید. هدف این کتاب آن است تا ضمن تحلیل دقیق معنای حسن خلق و سوء خلق، ادله بیان‌کننده حکم آن دو تحلیل و بررسی شوند. پس از بررسی ادله یادشده نیز فروع گوناگون مرتبط با این دو مسئله بیان و تحلیل خواهند شد.

فصل اول: کلیات

در این فصل، مفهوم‌شناسی و پیشینه حسن خلق و سوء خلق مطرح خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی

دو اصطلاح حسن خلق و سوء خلق از دو واژه ترکیب یافته‌اند. برای تحلیل دقیق معنای دو اصطلاح، باید ابتدا معنای «خلق» را بررسی کرد و سپس معنای دو اصطلاح حسن خلق و سوء خلق تبیین شود.

الف) معنای خُلُق

بررسی کتاب‌های لغوی، اخلاقی و روایی نشان می‌دهد که چند معنا برای خلق بیان شده است:

۱. سجیت، طبیعت و صفات روحی؛ در این معنا، خلق امری قلبی تلقی می‌شود و مراد از آن، سجیت، حالات و صفات روحی است.^۱ در فلسفه،

۱. «و الخُلُق و الخُلُق: السَّجِيَّةُ.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۷۱) «الخُلُق، و هی السَّجِيَّةُ، لأنَّ صاحبَه قد قُدِّرَ علیه.» (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۱۴) «خلق: الخَلِيقَةُ: الخُلُق، و الخَلِيقَةُ: الطَّبِيعَةُ.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۱۵۱) غزالی نیز در تعریف خلق می‌گوید: «فالخلق عبارة عن هيئة في النفس راسخة، عنها تصدر الأفعال بسهولة ويسر، من غير حاجة إلى فكر و روية.» (محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۸، ص ۹۶) در بخش دیگری از کلام او آمده است: «فالخلق إذا عبارة عن هيئة النفس و صورتها الباطنة.» (همان، ص ۹۷) در بحار الانوار نیز آمده است: «الخلق بالضم يطلق على الملكات و الصفات الراسخة في النفس حسنة كانت أم قبيحة و هي في مقابلة الأعمال.» (محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۳)

انواع مختلفی برای کیف بیان می‌شود؛ کیف نفسانی یکی از اقسام کیف محسوب می‌شود و مراد از آن، صفاتی روحی است که مبدأ صدور افعال هستند. کیفیات نفسانی مراتب گوناگونی دارند که به دو دسته کلی حال و ملکه تقسیم می‌شوند.^۱ در این معنا، خلق به دو قسم ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. بنابراین می‌توان آن را به حسن و قبح متصف نمود. طبق آنچه در کتاب‌های لغت مانند *النهاية في غريب الحديث و الاثر* بیان شده، مقصود از اصل ریشه «خَلَقَ»، «تقدير» است.^۲ به نظر صاحب مقایس، این نام‌گذاری به این سبب است که صاحب هر خُلق، با آن مقَدَّر و خَلَق شده است.^۳ بنابر دیدگاه اهل لغت مانند ابن‌اثیر، خَلَق به امور ظاهری و خُلُق به امور باطنی بازمی‌گردد:

الخُلُق - بضم اللام و سکونها -: الدِّين و الطَّبع و السَّجِيَّة، و حقیقته أنه لصورة الإنسان الباطنة و هي نفسه و أوصافها و معانيها المختصة بها بمنزلة الخَلْق لصورته الظاهرة و أوصافها و معانيها، و لهما أوصاف حسنة و قبيحة، و الثَّواب و العقاب ممَّا يتعلَّقان بأوصاف الصَّورة الباطنة أكثر ممَّا يتعلَّقان بأوصاف الصَّورة الظاهرة.^۴

در صورت پذیرش این معنا (صفات روحی و اخلاقی) برای خلق، حسن خلق به معنای بهره‌مندی از صفات ممدوح و فضایل روحی و سوء خلق به معنای بهره‌مندی از صفات مذموم و رذایل روحی خواهد بود. این معانی با بحث کنونی مرتبط نخواهند بود؛ زیرا در این بحث سخن از رفتار انسان

۱. سید محمدحسین طباطبایی، *نهاية الحكمة*، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۲. مبارک بن محمد (ابن‌اثیر)، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، ج ۲، ص ۷۰.

۳. «الخُلُق، و هي السَّجِيَّة، لأنَّ صاحبه قد قُدِّر عليه.» (احمد بن فارس، *معجم مقاييس اللغة*، ج ۲، ص ۲۱۴)

۴. مبارک بن محمد (ابن‌اثیر)، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، ج ۲، ص ۷۰.

است. البته برخی از روایات به صفات و امور درونی و روحی ناظر هستند؛ برای مثال، در ابواب جهاد نفس کتاب *وسائل الشیعة*، یک باب به تخلق به مکارم اخلاق اختصاص یافته که مراد از اخلاق حسنه در آن، صفات روحی و درونی است.^۱ برای مثال، صفاتی مانند شجاعت و سخاوت ذیل این ابواب قرار می‌گیرند و روایاتی درباره این نوع صفات روحی بیان می‌شود.^۲ همچنین در ابواب جهاد نفس این کتاب، باب دیگری به استحباب بهره‌مندی از صفات حمیده اختصاص یافته است. این باب نیز به امور روحی و درونی اختصاص دارد.^۳

۲. صفات روحی بروزیافته در رفتار؛ در معنای دوم، سخن از صفات روحی نیکویی است که در ساحت رفتار بروز یافته‌اند. در حقیقت، در این معنا به ظهور و بروزهای صفات درونی، خلق گفته می‌شود.^۴

۱. محمد بن حسن حر عاملی (شیخ حر عاملی)، *وسائل الشیعة*، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

۲. برای نمونه: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّا لَنُحِبُّ مَنْ كَانَ عَاقِلًا فَهِمًا فَقِيهًا حَلِيمًا مُدَارِيًا صَبُورًا صَدُوقًا وَفِيًّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ قَالَ هُنَّ الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْغَيْرَةُ وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ.» (همان)

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. در مجمع البحرین به استعمال حسن خلق در رفتار ظاهری نیز اشاره شده است: «وَفِيهِ "لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ" هُوَ بَضْمُ لَامٍ وَ سَكُونُهَا: الدِّينُ وَالطَّبَعُ وَالسَّجِيَّةُ. وَ فسر في الحديث بأن تلين جناحك و تطيب كلامك و تلقى أخاك ببشر. و عن بعض الشارحين: حقيقة حسن الخلق أنه لصورة الإنسان الباطنة و هي نفسه و أوصافها و معانيها المختصة بها بمنزلة الخلق لصورته الظاهرة و أوصافها و معانيها و لها أوصاف حسنة و قبيحة، و الثواب و العقاب يتعلقان بأوصاف الصورة الباطنة أكثر مما يتعلقان بأوصاف الصورة الظاهرة و لهذا تكرر مدح حسن الخلق و ذم سوءه في الأحاديث. وَ فِي الْأَحَادِيثِ « مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يُعْرِفُ فِيهِ شِبْهَ خَلْقِهِ وَ خُلُقِهِ. » (فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۵۸)

۳. رفتار ظاهری برآمده از صفات درونی؛ اگرچه ظهور اولیه خلق در صفات حمیده و امور درونی است، اما گاهی به رفتار ظاهری نیز اطلاق می‌شود. این استعمال، مصداقی از انتقال از علت به معلول یا از سبب به مسبب است که در لغت عربی مصادیق فراوانی دارد. در این موارد، در ابتدا لغت برای مفهومی وضع شده که از نوعی علیت برای امر دیگری برخوردار است؛ ولی به تدریج از موضوع‌له اصلی (علت) به معلول منتقل شده است. معمولاً در ابتدا، این استعمال به صورت مجازی است و سپس به سبب کثرت استعمال، نقل معنا صورت می‌گیرد یا لفظ به مشترک لفظی تبدیل می‌شود. به بیان دقیق‌تر، استعمال سبب یا علت در معنای مسبب یا معلول، به سه صورت می‌تواند باشد؛ گاهی سبب یا علت مجازاً و به کمک قرائن در معنای مسبب یا معلول به کار می‌رود؛ گاهی لفظ به تدریج، به سبب کثرت استعمال در مسبب یا معلول به مشترک لفظی بین علت و معلول تبدیل می‌شود؛ گاهی نیز لفظ معنای اولیه (علیت) را از دست می‌دهد و به معنای معلول، منتقل می‌شود. واژه خلق نیز در استعمال و معنای اولیه به صفات روحی اطلاق می‌شده است؛ اما به دلیل اینکه صفات روحی، مبدأ صدور افعال هستند، گاهی خلق به معنای افعال برآمده از صفات روحی به کار می‌رود. برای نمونه، گاهی در استعمال عبارت‌هایی مانند «او چنین اخلاقی دارد»، سخن از امور درونی و باطنی شخص نیست؛ بلکه سخن از ظهور و بروز این صفات درونی و باطنی در رفتار ظاهری شخص است. در این معنا، افعال نیکو یا ناپسند شخص، به عنوان اخلاق او معرفی می‌شود. به بیان دقیق‌تر، این معنای خلق عام است و علاوه بر افعال برآمده از صفات روحی نیکو، نسبت به افعال برآمده از صفات روحی ناپسند نیز شمول دارد.

۴. جامع معنای اول و سوم؛ گاهی واژه خلق در معنای جامع معنای اول

(صفات روحی و اخلاقی) و سوم (رفتار ظاهری) به کار می‌رود.^۱ برای نمونه، این معنا از روایتی که ذیل بررسی معنای حسن خلق بیان می‌شود، قابل برداشت است. در این روایت آمده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْخُلُقَ مَنِيحَةٌ يَمْنَحُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقَهُ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَمِنْهُ نِيَّةٌ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ فَقَالَ صَاحِبُ السَّجِيَّةِ هُوَ مَجْبُودٌ لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرَهُ وَصَاحِبُ النِّيَّةِ يَصْبِرُ عَلَى الطَّاعَةِ تَصَبُّراً فَهُوَ أَفْضَلُهَا.^۲

بنابر این روایت، خلق نیکو می‌تواند ناشی از دو علت باشد؛ سجیت و طبیعت انسان یا اختیار او. علت اول، به معنای اول و علت دوم به معنای سوم اشعار دارد.

۵. صفاتی درونی که به تعاملات شخص با سایر افراد مربوط می‌شود؛ بنابر دیدگاه ازهری، مراد از خلق، «مروت» است.^۳ مروت،^۴ یکی از صفات درونی فرد است که در تعامل با سایر اشخاص بروز می‌یابد و در مورد سایر صفات شخص قابل اطلاق نیست.

۱. برای مثال، در کتاب *الاخلاق فی القرآن* در تعریف حسن خلق آمده است: «إِنَّ حَسْنَ الْخُلُقِ عبارة عن مجموعة من الصفات والسلوكيات التي تتمثل بمداواة الناس، البشاشة، الكلام الطيب وإظهار المحبة، ورعاية الأدب، التبسم، والتحمل والحلم مقابل أذى الآخرين وأمثال ذلك، فلو امتزجت هذه الصفات مع العمل وترجمها الإنسان في حركة الواقع الخارجي سمي ذلك حسن الخلق.» (ناصر مکارم شیرازی، *الاخلاق فی القرآن*، ج ۳، ص ۱۲۰)

۲. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶۸، ص ۳۷۷.

۳. برای مثال در کتاب *تهذیب اللغة* آمده است: «الْخُلُقُ: المروءة.» (محمد بن احمد ازهری، *تهذیب اللغة*، ج ۷، ص ۱۸)

۴. «(المُروءة) آدابُ نفسانیةٌ تحمِلُ مُراعَاتها الإنسانَ عَلَى الْوُقُوفِ عِنْدَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَجَمِیلِ الْعَادَاتِ.» (اسماعیل بن حماد جوهری، *الصحاح*، ج ۲، ص ۵۶۹)

۶. رفتاری که در تعامل میان افراد ظهور و بروز پیدا می‌کند؛^۱ این معنا علاوه بر رفتاری که در برخوردهای اولیه و سطح ظاهری بروز پیدا می‌کند - مانند لین کلام - می‌تواند رفتار باطنی در ارتباط با دیگران، مانند حسن ظن و سوء ظن را شامل شود.

۷. رفتار ظاهری که در تعاملات افراد ظهور می‌یابد؛ این معنا، به رفتاری محدود می‌شود که فرد در مواجهه و معاشرت با سایر انسان‌ها دارد.^۲ برای نمونه، برخورد پسندیده یا ناپسند شخص با سایر افراد، مصداق‌هایی از این معنا هستند. از دایره شمول این معنا، از یک سو صفات باطنی و از سوی دیگر، رفتار غیرظاهری خارج می‌شود. برای نمونه، لین کلام، گشاده‌رویی، تبسم و تعارفات ظاهری از جمله اموری هستند که ذیل این معنا قرار می‌گیرند. به این ترتیب، این معنا اخص از معنای سوم خلق است. برای مثال، رفتاری مانند «رفتار شجاعانه» از مصادیق معنای سوم است؛ اما معنای هفتم به اعمال پسندیده یا ناپسند شخص در معاشرت یا برخورد با دیگران اختصاص پیدا می‌کند.^۳

۸. صفات و رفتار ظاهری که در تعاملات میان افراد بروز پیدا می‌کند.

۱. برای مثال، سید کاظم حسینی حائری در بیان معنای حسن خلق می‌نویسد: «فحن - هنا - نقصد بحسن الخلق خصوص الأوّل، أعني: حسن المعاشرة و التعامل مع الخلق.» (سید کاظم حسینی حائری، ترکیبة النفس، ص ۴۵۴)

۲. ممکن است بتوان مراد صاحب جامع السعادات از خلق را این معنا دانست: «سوء الخلق بالمعنی الأخص و هو التضجر، و انقباض الوجه، و سوء الكلام، و أمثال ذلك. و هو أيضا من نتائج الغضب، كما أن ضده - أعني (حسن الخلق بالمعنی الأخص) و هو أن تلین جناحك، و تطیب كلامك، و تلقی أخاك ببشر حسن - من نتائج الحلم.» (مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۴۲)

۳. غیر از معانی بیان‌شده، دو معنای دیگر نیز برای خلق گفته شده است که کاربرد چندانی ندارند. به نظر طبرسی رحمته الله، مراد از خلق، طبع و صفاتی است که انسان به دست می‌آورد. خلق در این معنا در برابر «خیم» قرار می‌گیرد که مراد از آن، طبع و صفات غریزی انسان است (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۰۰). بنابر معنای دیگری که برخی لغویون برای «خلق» بیان کرده‌اند، مراد از آن «دین» است (الخُلُق: الدین) (محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۷، ص ۱۸).

در این کتاب، مقصود از حسن خلق و سوء خلق، معنای هفتم است. به این ترتیب، سایر مصادیق رفتار اخلاقی که در کتاب‌هایی مانند جامع السعادات بیان شده‌اند، ذیل بحث حاضر قرار نمی‌گیرند و صرفاً رفتار ارتباطی و تعاملی شخص با دیگران مدنظر خواهد بود.^۱ در روایات نیز غالباً حسن خلق و سوء خلق در همین معنا به کار رفته‌اند. به بیان دقیق‌تر، ممکن است این دو تعبیر، در معنای دیگری نیز به کار رفته باشند، ولی بیشتر استعمال‌ها به این معنا اختصاص دارند.

ب) معنای حسن خلق

برای تبیین دقیق معنای حسن خلق، ابتدا احتمالات ممکن در مورد معنای آن و سپس مفاهیم مشابه با آن بررسی می‌شوند.

یکم. احتمالات معنای حسن خلق

باتوجه به آنچه در معنای خلق بیان شد، برای حسن خلق نیز معانی گوناگونی بیان شده است. از این رو، برای فهم دقیق معنای آن، باید معنای «حُسن» را نیز معین کرد. مراد از حُسن، نیکویی و ضد قبح است.^۲ در احکامی که بر عنوان حسن خلق بار می‌شود، حسن در موضوع و متعلق حکم اخذ شده است. مراد از حَسَن در این اصطلاح، اموری است که عرف آن‌ها را حَسَن می‌داند. همین مفهوم عرفی، موضوع دآوری و حکم شرعی قرار

۱. برای مثال غیرت و حمیت از این قبیل هستند (مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۰۱؛ همچنین ر.ک: همان، ص ۸۴).

۲. «حَسَنُ الشَّيْءِ فَهُوَ حَسَنٌ» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۴۳)؛ «الْحُسْنُ: نَقِیضُ الْقُبْحِ» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۹۹)؛ «الْحُسْنُ ضِدُّ الْقُبْحِ» (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۷)؛ «الْحُسْنُ ضِدُّ الْقُبْحِ، وَالْحَسَنُ ضِدُّ الْقَبِيحِ» (محمد بن حسن (ابن درید)، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۵۳۵)؛ «قال الليث: الحَسَنُ: نعت لما حَسُنَ، تقول: حَسُنَ الشَّيْءُ حُسْنًا» (محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۱۸۲)

می‌گیرد. در حقیقت، باید برداشت عرف از حسن را ملاک عمل به شمار آورد. البته این امر، مانع آن نیست که شارع در روایتی برای اصطلاحاتی مانند حسن یا سوء، معانی جدید و متفاوتی با معنای عرفی بیان کند. در واقع، تمام معانی عرفی در معرض آن هستند که شارع تفسیری مضیق یا موسع را از آن‌ها ارائه دهد. به طور کلی این روایات، در مقام تحدید عناوین و اصطلاحات عرفی، گاهی تحدید جدید و گاهی مصادیق جدیدی را برای مفاهیم مصطلح در عرف بیان می‌کنند. در میان روایات حسن خلق، برخی به بیان مصادیق عرفی حسن خلق پرداخته‌اند.^۱

بنابراین، از یک سو برای خلق هشت معنا قابل تصور بود و از سوی دیگر، باید حسن را بر معنای عرفی حمل کرد. بر این اساس، برای حسن خلق هشت معنا قابل تصور است:

۱. صفات روحی نیکو؛ در این معنا، سخن از صفات اخلاقی است که بهره‌مندی از آن‌ها نوعی فضیلت به شمار می‌آید.^۲

۱. برای مثال، در روایتی آمده است: «عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ قَالَ ثَلَاثُ جَنَاحٍ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ.» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳)

۲. برای نمونه، غزالی در تعریف حسن خلق می‌گوید: «فالخلق إذا عبارة عن هيئة النفس و صورتها الباطنة و كما أن حسن الصورة الظاهرة مطلقاً، لا يتم بحسن العينين دون الأنف، و الفم، و الخلد بل لا بد من حسن الجميع ليتم حسن الظاهر، فكذا في الباطن أربعة أركان، لا بد من الحسن في جميعها حتى يتم حسن الخلق. فإذا استوت الأركان الأربعة، واعتدلت و تناسبت حصل حسن الخلق. و هو قوة العلم، و قوة الغضب، و قوة الشهوة، و قوة العدل بين هذه القوى الثلاث.» (محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۸، ص ۹۷) همچنین او پس از تعریف خلق به هیئت نفسانی، آورده است: «فإن كانت الهيئة بحيث تصدر عنها الأفعال الجميلة، المحمودة عقلاً و شرعاً، سميت تلك الهيئة خلقاً حسناً.» (همان، ص ۹۶) روایاتی مانند «من حسنت خلیفته طابت عشرته» (عبدالواحد بن محمد تیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۹۹) و «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّمَا تَفْسِيرُ حُسْنِ الْخُلُقِ: مَا أَصَابَ الدُّنْيَا يَرْضَى، وَإِنْ لَمْ يُصِبْهُ لَمْ يَسْخَطْ» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۱۱۷) نیز در حسن خلق باطنی ظهور دارند.

۲. صفات روحی نیکوی بروزیافته در رفتار؛ در معنای دوم، سخن از صفات روحی نیکویی است که در ساحت رفتار بروز یافته‌اند.
۳. رفتار ظاهری نیکوی برآمده از صفات روحی؛ صفات درونی انسان می‌توانند در قالب رفتار ظاهری نیکو بروز یابند. معنای سوم، تمام رفتار ظاهری پسندیده را شامل می‌شود.^۱
۴. معنای جامع معنای اول و سوم؛ مطلق صفات و رفتار پسندیده ذیل این معنا قرار می‌گیرند. برخی اندیشمندان حسن خلق را به معنای ایجاد اعتدال و رهایی از افراط و تفریط در قوای عقلی، شهوی و غضبی و انجام رفتار ظاهری نیکو دانسته‌اند.^۲
۵. صفات درونی نیکویی که به تعاملات شخص با سایر افراد مربوط می‌شود؛^۳
۶. رفتار نیکویی که در تعاملات میان افراد ظهور و بروز پیدا می‌کند، اعم

۱. ممکن است بتوان کلام راوندی را بر این معنا حمل کرد: «الخلق السجیة و الطبیعة ثم یستعمل فی العادات التي یتعودها الإنسان من خیر أو شر و الخلق ما یوصف العبد بالقدرة علیه و لذلك یمدح و یذم به و یدل علی ذلک قوله ﷺ: خَالِقِ النَّاسِ بِخُلُقٍ حَسَنِ» (ر.ک: محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۴)

۲. ملا صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۳. در بحار الانوار آمده است: «و یطلق حسن الخلق غالباً علی ما یوجب حسن المعاشرة و مخالطة الناس بالجمیل ... و قیل حسن الخلق إنما یحصل من الاعتدال بین الإفراط و التفریط فی القوة الشهویة و القوة الغضبیة و یعرف ذلک بمخالطة الناس بالجمیل و التودد و الصلة و الصدق و اللطف و المبرة و حسن الصحبة و العشرة و المراعاة و المساواة و الرفق و الحلم و الصبر و الاحتمال لهم و الإشفاق علیهم و بالجملة هی حالة نفسانیة یتوقف حصولها علی اشتباك الأخلاق النفسانیة بعضها ببعض و من ثم قیل هو حسن الصورة الباطنة التي هی صورة الناطقة کما أن حسن الخلق هو حسن الصورة الظاهرة و تناسب الأجزاء إلا أن حسن الصورة الباطنة قد یشتمل و لذا تکررت الأحادیث فی الحث به و بتحصیلها» (محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۳-۳۷۴)

از رفتار درونی و ظاهری؛

۷. رفتار ظاهری نیکو در تعامل با دیگران؛ شاید آنچه مرحوم نراقی به عنوان حسن خلق به معنای اخص معرفی کرده است، بر این معنا حمل شود.^۱
۸. صفات و رفتار ظاهری که در تعامل افراد باهم ظهور و بروز پیدا می‌کند. تقسیم‌بندی ارائه‌شده درباره معانی حسن خلق، با آنچه در کلام اندیشمندانی مانند غزالی،^۲ نراقی^۳ و فیض کاشانی^۴ آمده است، تفاوت دارد و تقسیم‌بندی جامع‌تری است.

در این کتاب، مقصود از حسن خلق، معنای هفتم و رفتار ظاهری نیکو در تعامل و ارتباط با سایر افراد است. یکی از شواهد بر استعمال حسن خلق در این معنا، روایتی است که مصادیق مکارم اخلاق را برشمرده و حسن خلق را به عنوان یکی از مکارم اخلاق و قسیم اموری مانند صبر، قناعت و شجاعت معرفی نموده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَصَّ رُسُلَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ وَإِنْ لَا تَكُنْ فِيكُمْ فَاسْأَلُوا اللَّهَ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا قَالَ فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَ الْقَنَاعَةَ وَ الصَّبْرَ وَ الشُّكْرَ وَ الْحِلْمَ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ السَّخَاءَ وَ الْغَيْرَةَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ الْمُرُوءَةَ قَالَ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ بَعْدَ هَذِهِ الْخِصَالِ الْعَشْرَةِ وَ زَادَ فِيهَا الصِّدْقَ وَ آدَاءَ الْأَمَانَةِ.^۵

۱. ر.ک: مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲. ابوحامد غزالی، إحياء علوم الدين، ج ۸، ص ۹۵-۹۹.

۳. ر.ک: مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۴۳-۳۴۷.

۴. محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۹۴-۹۹.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۶.

البته باید توجه داشت که در این روایت، مقصود از «مَکَارِمِ الْأَخْلَاقِ» اخلاق و امور قلبی است و به معنای سوم (معنای جامع معنای اول و دوم) اشاره دارد؛ اما حسن خلق بر معنای خاص خلق حمل می‌شود که در تعاملات افراد ظهور و بروز می‌یابد. بنابراین باید توجه داشت که حسن خلق در معنای خاص با مکارم اخلاق تفاوت دارد. گاهی مراد از مکارم اخلاق، صفات روحی پسندیده و گاهی معنای جامع صفات و رفتار نیکو است و حسن خلق یکی از اقسام آن محسوب می‌شود. در روایت دیگری آمده است:

الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال: أَحَاسِنُكُمْ أَخْلَاقًا الْمُؤَطَّيُونَ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ.^۱
روایت دیگری که به حسن خلق به عنوان اخلاقی اجتماعی اشاره می‌کند، عبارت است از:

ابنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحَمِيرِيِّ عَنِ ابْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ قَالَ ثَلَاثُ جَانِبَكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَحَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ.^۲

روایت «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَنَبَسَةَ الْعَابِدِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا يَقْدُمُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعَمَلٍ بَعْدَ الْفَرَايِضِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَسَعَ النَّاسَ بِخُلُقِهِ»^۳
نیز مانند روایات پیشین در حسن خلق معاشرتی ظهور دارد. همچنین کاربرد حسن خلق در معنای هفتم کاربردی متداول و عرفی است.

۱. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۶.

۲. محمد بن بابویه (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰.

دوم. بررسی مفاهیم مشابه

برخی مفاهیم مانند مکارم الاخلاق، خلق عظیم و حسن معاشرت، معنای نزدیکی به حسن خلق دارند. در ادامه با تحلیل این مفاهیم، ارتباط آن‌ها با حسن خلق بیان خواهد شد.

۱. مکارم اخلاق

در اصطلاح مکارم اخلاق از واژه «مکارم» استفاده شده است. مکارم جمع مکرمه است و به معنای نیکو و خیر استعمال می‌شود.^۱ بنابراین مکارم اخلاق به معنای اخلاق نیکو است. در کتاب مجمع البحرین، در بیان معنای مکارم الاخلاق به دو روایت استناد شده است:

و مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ الَّتِي حَضَّ النَّبِيُّ ﷺ بِهَا عَشْرَةٌ: الْيَقِينُ، وَ الْقَنَاعَةُ، وَ الصَّبْرُ، وَ الشُّكْرُ، وَ الْحِلْمُ، وَ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَ السَّخَاءُ، وَ الْغَيْرَةُ، وَ الشَّجَاعَةُ، وَ الْمُرُوَّةُ. وَ فِي الْحَدِيثِ "امْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ تَعَالَى، وَإِلَّا تَكُنْ فِيكُمْ فَاسْأَلُوا اللَّهَ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا" ثُمَّ إِنَّهُ ﷺ ذَكَرَ الْعَشْرَةَ السَّالِفَةَ.

و فِيهِ - وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ - فَقَالَ "الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَ صَلَٰةٌ مَنْ قَطَعَكَ وَ إِعْطَاءٌ مَنْ حَرَمَكَ، وَ قَوْلُ الْحَقِّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ".^۲

براساس این مطلب، مکارم اخلاق معنایی اعم از حسن خلق است و آن

۱. «الکَرِیم: من صفات الله و أسمائه، و هو الكثير الخير الجواد المِعْطِي الذي لَا يَنْقُذُ عَطَاؤُهُ، و هو الکَرِیم المطلق. و الکَرِیم: الجامع لأنواع الخير و الشرف و الفضائل. و الکَرِیم. اسم جامع لكل ما يُحْمَد، فالله عز و جل کریم حمید الفِعال و رب العرش الکَرِیم العظیم. ابن سیده: الکَرَم نقيض اللُّؤْم يكون في الرجل بنفسه، و إن لم يكن له آباء، و يستعمل في الخيل و الإبل و الشجر و غيرها من الجواهر إذا عنوا العِثْق، و أصله في الناس قال ابن الأعرابي: كَرُمَ الفرس أن يَرَقَّ جلده و يَلين شعره و تَطيب رائحته. و قد كَرُمَ الرجل و غيره، بالضم، كَرَمًا و كَرَامَةً، فهو كَرِيم و كَرِيمَةٌ و كِرْمَةٌ و مَكْرَم و مَكْرَمَةٌ.» (محمد بن مكرم (ابن منظور)، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۰)

۲. فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۳.

یکی از مصادیق مکارم اخلاق محسوب می‌شود. در لسان العرب نیز آمده است:

و قال ثعلب: فی الکلام الفصیح: إذا عَزَّ أخوک فَهَنْ، و العرب تقولہ، و هو مَثَلٌ معناه إذا تَعَظَّمَ أخوک شامِخاً علیک فالتَزَمَ له الهَوَان. قال الأزهري: المعنی إذا غلبک و قهرک و لم تقاومہ فتواضع له، فَإِنَّ اضْطِرَابَک علیہ یزیدک ذُلًّا و خَبَالًا. قال أبو إسحاق: الذی قاله ثعلب خطأً و إنما الکلام إذا عَزَّ أخوک فَهَنْ، بکسر الہاء، معناه إذا اشتد علیک فَهَنْ له و داره، و هذا من مکارم الأخلاق.^۱

براساس دیدگاه ابن منظور، تواضع، نرمی و مدارا با دیگران مصداقی از مکارم اخلاق است. طبق این تحلیل مکارم اخلاق، معنای عامی دارد که رعایت آداب و موازین گوناگون اخلاقی را شامل می‌شود. بنابراین، حسن خلق را می‌توان مصداقی از مکارم اخلاق به شمار آورد.

۲. خلق عظیم

اصطلاح «خلق عظیم» از دو واژه خُلِق و عظیم تشکیل شده است. عظیم در لغت به معنای کِبَر، قوت و بزرگی است.^۲ برای خلق در مباحث پیشین، هشت معنا بیان شد که آن‌ها را می‌توان در اصطلاح خلق عظیم نیز به کار برد. برای تعیین دقیق معنای خلق عظیم، باید به تحلیل آیات و روایات مرتبط و کلام لغویون و علمای تفسیر و اخلاق در این زمینه پرداخت. خداوند متعال در سوره قلم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿إِنَّکَ

۱. محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۷۶.

۲. «عَظُمَ الشَّيْءُ عِظْمًا: کَبُرَ، فَهُوَ عَظِيمٌ.» (اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۸۷)؛ «عظم العين و الظاء و الميم أصل واحد صحيح يدل على کبر و قُوَّة. فالعِظَم: مصدر الشَّيْء العَظِيم.» (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۵۵)

لَعَلَّ خُلُقٍ عَظِيمٍ^۱. احتمال‌های گوناگونی برای معنای خلق عظیم مطرح شده است. بنابر برخی، بهره‌مندی از خلق عظیم به معنای «شخیص بودن» است: «و قال غيره: رجلٌ شَخِصٌ - إذا كان ذا شَخْصٍ و خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۲ خلق عظیم در روایات گوناگونی مطرح شده است که معنای آن را می‌توان از آن‌ها استنباط کرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِي فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْغَضَائِرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْعَمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَجُوهًا خَلَقَهُمْ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَرْضِهِ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِمْ يَرَوْنَ الْحَمْدَ مَجْدًا وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ وَ كَانَ فِيهَا خَاطَبَ اللَّهِ نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله إِنَّكَ لَعَلَّيْ خُلُقٍ عَظِيمٍ - قَالَ السَّخَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ^۳.

سند این روایت صحیح است^۴ و براساس آن، خلق عظیم معنایی اعم از حسن خلق دارد و علاوه بر آن، «سخاء» را نیز شامل می‌شود.

در روایت دیگری آمده است:

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِبَعْضِ أَصْحَابِ قَيْسِ الْمَاصِرِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ: "إِنَّكَ لَعَلَّيْ خُلُقٍ عَظِيمٍ" ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَ الْأُمَّةِ لِيُسَوِّسَ عِبَادَهُ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۵.

۱. قلم (۶۸)، آیه ۴.

۲. محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۷، ص ۳۶.

۳. محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، الأمالی، ص ۳۰۲؛ محمد بن حسن حر عاملی (شیخ حر عاملی)، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۰.

۴. سند روایت در دسته سوم از ادله استحباب حسن خلق بررسی شده است.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۶.